

است و هر یک از بخش‌ها نیز چند فصل را در بر دارد:  
بخش نخست: صورتگرایی (ص ۷- ۱۵۳)، که خود

به ده فصل تقسیم می‌شود:

۱. پیشینه صورتگرایی (ص ۷- ۲۹)، این قسمت از آغاز فرمالیسم روسی و نظریه پردازان آن، شاخه‌های فرمالیسم و ارتباط آن با دیگر مکتب‌ها و نظریات صحبت می‌کند و به رومن یاکوبسن توجهی ویژه دارد.

۲. گذری بر نظریه‌های صورتگرایان (ص ۲۹- ۴۳)، از ادبیات متن در دیدگاه فرمالیست‌ها، اهداف نقد صورتگرا و کم‌اهمیت دانستن نیت مؤلف و دوران زندگی او در تحلیل متن، سخن می‌گوید.



کتابخانه متن‌شناسی به معرفی توصیفی کتاب‌های برگزیده متن‌شناسی (در سه حوزه متن‌شناسی لفظی، معنایی و فلسفی) در زبان فارسی — اعم از تألیف و ترجمه — می‌پردازد. در هر شماره چند اثر که از حیث موضوع با یکدیگر همانند هستند، معرفی می‌شوند. گروه تصحیح متون و متن‌شناسی مرکز پژوهشی میراث مکتوب در پی آن است که از این طریق باب آشنایی با زاویه‌های گوناگون تحلیل متن را برای علاقه‌مندان بگشاید و راه بررسی تحلیلی متون را هموار کند.

۷. نظریه‌های نقد ادبی معاصر، مهیار علوی مقدم، تهران، چاپ اول، سمت، ۱۳۷۷ش، ۲۵۴ ص.

۳. فرم و محتوا (ص ۴۳- ۵۴)، مطالبی را درباره فهم و دریافت عناصر درونی متن، پذیرفتن این واقعیت که شکل به محتوا سمت‌وسو می‌دهد، پیوستگی فرم و محتوا و... طرح می‌کند. نویسنده در این بخش از مباحث رضا براهنی درباره فرم و انواع آن بهره برده است.

۴. شعر از دیدگاه صورتگرایی (ص ۵۴- ۶۳)، پس از ارائه تعریف شعر از نظر چند منتقد و نظریه‌پرداز ادبی، از ابهام و موسیقی شعر سخن می‌گوید.

۵. کارکرد زبان در شعر (ص ۶۴- ۷۲)، از تفاوت زبان ادبی و زبان پراتیک و بافت زبان ادبی بحث می‌کند.

۶. واژه عنصری اساسی در شعر (ص ۷۳- ۸۱)

۷. فرایند برجسته‌سازی زبان (ص ۸۲- ۱۰۴)، از روش‌های برجسته‌سازی: هنجارگریزی و قاعده‌افزایی سخن می‌گوید، مؤلف برای رفع ابهام اصطلاح فراهنجاری را به جای هنجارگریزی پیشنهاد می‌کند و به بررسی انواع آن می‌پردازد.

این کتاب به بررسی دو نظریه ادبی صورتگرایی و ساختارگرایی می‌پردازد. نویسنده اثر معتقد است که این دو رویکرد می‌توانند به یاری ادبیات فارسی بشتابند و در تغییر گستره ادبیات و نقد و تحلیل ادبی نقشی بارز ایفا کنند. در این کتاب، نخست از تاریخچه هر نظریه و سپس از مباحث تئوریک و شیوه‌های نقد ادبی بر مبنای آن سخن می‌رود. امتیاز این کتاب آن است که تنها به این مطالب بسنده نمی‌کند و می‌کوشد کاربرد و تأثیر این نظریات را در زبان و ادب فارسی نیز نشان دهد و با ارائه چند نمونه از متون منظوم و مثنوی فارسی و نقد و تحلیل آنها با استفاده از این مبانی تئوریک، خواننده را با روش‌های نقد عملی آشنا سازد. همچنین در هنگام توضیح برخی از نظریات و شیوه‌های صورتگرایان و ساختارگرایان، شواهدی از اشعار کهن و نو فارسی می‌آورد، تا درک و فهم مسائل برای خوانندگان ساده‌تر گردد. این اثر شامل دو بخش صورتگرایی و ساختارگرایی

۸. آشنایی‌زدایی (ص ۱۰۵-۱۱۱)، فرمالیست‌ها آشنایی‌زدایی را کارکرد و هدف ادبیات می‌دانستند. در این بخش پس از تعریف این اصطلاح کلیدی، نمونه‌هایی از آشنایی‌زدایی در ادب فارسی ارائه می‌شود.

۹. عناصر کاربردی در نقد صورتگرایی (ص ۱۱۲-۱۳۹)، نویسنده در این بخش با استفاده از نظریات و روش‌های زبان‌شناسی صورتگرا، وزن و قافیه و صنایع ادبی را طبقه‌بندی و بازتعریف می‌کند. نویسنده آرایه‌های بدیع نظم را در سه گروه توازن آوایی، واژگانی و نحوی طبقه‌بندی می‌کند، از وزن با عبارت توازن‌آوایی کمی یاد می‌نماید، توازن واژگانی را به دو دسته تکرار آوایی کامل و ناقص تقسیم می‌کند و سه آرایه قافیه، سجع و جناس را حاصل تکرار آوایی ناقص می‌داند، در پایان توازن نحوی را مطرح می‌سازد و آن را شامل صنایعی مانند لف و نشر، قلب و... می‌داند. مؤلف وزن و قافیه را بخشی از صنایع بدیعی می‌انگارد، برخلاف بسیاری از ادبای قدیم و جدید که وزن و قافیه را از ذاتیات شعر به شمار می‌آورند.

۱۰. صورتگرایی در ایران (ص ۱۴۰-۱۵۳)، پژوهشی است در تعاریف قدما از شعر و اندیشه‌های منتقدان صورتگرایی معاصر مانند محمدرضا شفیعی کدکنی و رضا براهنی.

**بخش دوم: ساختارگرایی (ص ۱۵۴-۲۳۹)**، شامل پنج فصل است:

۱. زبان‌شناسی ساختارگرا (ص ۱۵۴-۱۶۶)، بحثی است در تاریخچه زبان‌شناسی ساختاری و چهره‌های برجسته آن در غرب و ایران و محدودیت‌های شیوه‌های زبان‌شناسی.

۲. فردینان دوسوسور (۱۶۷-۱۷۳). در این فصل از بانی زبان‌شناسی نوین و اندیشه‌های او در باب تمایز گفتار و زبان، زبان‌شناسی همزمانی و درزمانی و محورهای همنشینی و جاننشینی سخن گفته می‌شود.

۳. زبان ادبی به عنوان نظام نشانه‌ها (ص ۱۷۴-۱۸۴)، مطالبی را در مورد ماهیت نشانه و اجزای آن و تقسیم انواع نشانه‌ها به نشانه شمایی، شاخصی و نمادین و نیز دانش نشانه‌شناسی و پیوند آن با زبان‌شناسی دربر دارد.

۴. نقد ساختارگرایی (ص ۱۸۵-۲۳۰)، در ابتدای این فصل از تاریخچه ساختارگرایی و ماهیت ساختار و

عناصر ساختاری در شعر به گونه‌ای موجز بحث می‌شود؛ سپس چند قطعه از اشعار کهن و نو فارسی را بر اساس این نظریه، در سه سطح زبانی، فکری و ادبی تحلیل و نقد می‌کند. در پایان از نقد ساختاری ادبیات داستانی و ریخت‌شناسی قصه‌های پریان از دید پراپ صحبت می‌کند و حکایتی از کشف‌المحجوب هجویری را مورد بررسی ساختاری قرار می‌دهد.

۵. نظریه فرآیند ارتباطی زبان (ص ۲۳۱-۲۳۹)، این قسمت نظریه ارتباطی یا کوبسن را تشریح می‌نماید و از اجزای ارتباط (یعنی پیام، گوینده، مخاطب، موضوع، رمز و تماس) و همچنین کارکردهای هر یک از این اجزا (یعنی کارکرد عاطفی، کنشی، ارجاعی، فرازبانی، همدلی و کارکرد ادبی) سخن می‌گوید.

این کتاب بیشتر به نقد فرمالیستی و تحلیل ساختاری شعر می‌پردازد و به متون منثور اعتنای چندانی ندارد، از منطقی مکالمه باختین، نظریات فوکو، بارت، تودورف، ژنت و... مطلب درخور توجهی نقل نمی‌کند. اخیراً دکتر حسین پاینده مدعی شده است که بخش‌هایی از این کتاب، انتحالی از نوشتارهای وی و چند تن دیگر است (نک: حسین پاینده، نقد ادبی و دموکراسی، چاپ اول، نیلوفر، تهران، ۱۳۸۵، ص ۲۳۵-۲۶۷). بخش نهم این اثر نیز خلاصه کتاب از زبان‌شناسی به ادبیات اثر کورش صفوی است در بسیاری از قسمت‌های دیگر نیز موسیقی شعر شفيعی کدکنی در نقل مفاهیم و حتی شواهد شعری استفاده بسیاری شده است.

سید محمد صاحبی

۸. نظریه ادبیات، رنه ولک و آوستن وارن، ترجمه ضیاء موحد و پرویز مهاجر، تهران، چاپ دوم، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲ش، ۴۱۸ + ۲۱ ص.

نظریه ادبیات کتابی است کلاسیک که دو تن از چهره‌های شاخص نقد نو در امریکا آن را نوشته‌اند و تا به امروز به هجده زبان ترجمه شده است. این کتاب به بررسی منظم ادبیات، سبک‌شناسی و روش‌شناسی پژوهش‌های ادبی می‌پردازد و می‌کوشد تا میان نظریه و نقد ادبی از یک سو و تحقیق و تاریخ ادبیات از دیگر سو، پیوندی برقرار سازد؛ در واقع کوششی است برای صورت‌بندی مفروضات و نظریاتی که پژوهش‌های ادبی براساس آن انجام می‌گیرد.



می‌توان گفت نویسندگان این کتاب کوشیده‌اند گونه‌ای ارغنون ادبی پدید آورند. مؤلفان در هر موضوع، نخست نظریات و اندیشه‌های متفکران ادبی از یونان باستان تا دوران معاصر را نقل و نقد می‌کنند و سپس، نظریات خویش را با دلیل و برهان بیان می‌دارند؛ بنابراین این اثر نه التقاطی صرف است و نه نظریه‌گرایی محض.



ترجمه این اثر در سال ۱۳۵۰ش آغاز شد و پس از دو سال به پایان رسید. بخش‌هایی از آن در برخی از نشریات ادبی آن روزگار به چاپ رسید. این برگردان با ترجمه‌های آلمانی و فرانسوی کتاب نیز مقایسه شده و قسمت‌هایی که تنها به زبان انگلیسی ارتباط داشته، حذف گردیده است. به این علت که نگارش و ترجمه کتاب به شیوه مشترک انجام گرفته، ناهماهنگی‌هایی در برخی از واژگان، عبارات و ویژگی‌های سبکی آن به چشم می‌خورد. این اثر دارای چهار بخش است:

**الف. بخش اول:** تعاریف و طبقه‌بندی‌های (ص ۱-۴۹).

این بخش از چگونگی پرداختن اندیشمندان به ادبیات و روش‌های علمی و غیرعلمی در این راه سخن می‌گوید؛ در ادامه در باب ماهیت ادبیات و تمایز زبان روزمره و زبان ادبی بحث می‌شود و به بررسی کارکردهای ادبیات، یعنی لذت‌بخشی و سودمندی، می‌پردازد؛ سپس نظریه، نقد و تاریخ ادبی را تعریف می‌نماید و تمایز میان این سه را آشکار می‌سازد. پایان این بخش، گفتاری است در باب ادبیات ملی و تطبیقی. در این بخش به بحث‌های ارزشمند فرمالیست‌های روسی در مورد ادبیات متن و آشنایی زدایی چنان کارکرد ادبیات، اشاره‌ای نشده، این در حالی است که این کتاب مدت‌ها پس از تشکیل مکتب فرمالیست نوشته شده است.

**بخش دوم:** تمهید مقدمات (ص ۵۱-۶۷)، در این بخش از گردآوری نسخ تا تصحیح انتقادی آن سخن می‌رود؛ رویکرد منتقدی مدرن همچون ولک به موضوع سنتی نسخه‌پژوهی جالب و آموزنده است. نویسنده باور دارد که تحلیل انتقادی متن و فهم تاریخی آن بدون پرداختن به چنین مسائلی ناقص می‌ماند. او نخست از فراهم‌آوری متون و فهرست‌نویسی سخن می‌گوید، سپس در باب تصحیح نسخ خطی بازمانده از قرون وسطی و دوران کلاسیک، تعیین تاریخ کتابت نسخ و طبقه‌بندی و ترسیم شجره‌نامه آن، ملاک‌های اصالت و صحت نسخه بحث می‌کند. در ادامه مطالب جذابی در مورد تحریفات و اغلاط نسخ نمایشنامه‌های عصر الیزابت و حواشی فراوان آثار شکسپیر، مطرح می‌شود. مسائلی مانند تعیین تاریخ کتابت و درجه اعتبار و اصالت نسخه و تعیین مؤلف و بررسی تجدید نظرهای او در متن، در کشورهای غربی با عنوان نقد برتر توصیف می‌شود؛ اصطلاحی که از مطالعات مربوط به کتاب مقدس اقتباس شده و رنه ولک آن را اصطلاحی مبهم و نامناسب می‌داند. در این بخش از ویرایش و تنظیم نسخ چاپی نیز سخن رفته است.

**بخش سوم:** بررسی بیرونی ادبیات (ص ۶۹-۱۵۰)، شایع‌ترین و شکوفاترین شیوه‌های پژوهش در ادبیات به زمینه، محیط و عوامل خارجی آن (فرامتن) می‌پردازد؛ این بخش این گونه روش‌های تحقیق را بررسی می‌کند: روش‌های مأخوذ از شاخه‌های گوناگون علوم انسانی و هنر. در این قسمت درباره زندگی‌نامه‌نویسی، روانشناسی ادبیات و نظریات فروید، یونگ و نیچه در مورد آن صحبت می‌شود، اما نکته‌ای در مورد نظریه مرگ مؤلف مطرح نمی‌گردد. همچنین در باب ارتباط ادبیات و جامعه، انعکاس ایدئولوژی نویسندگان در آثارشان و نقد مارکسیستی و... بحث می‌شود و از ارتباط ادبیات و فلسفه و افکار و تجلی روح دوران در آثار ادبی سخن می‌رود. می‌توان گفت که بررسی ارتباط ادبیات و اندیشه‌های فلسفی، یکی از بدیع‌ترین فصل‌های کتاب است؛ چرا که در بیشتر کتاب‌های نقد ادبی به نقد روانشناسیک و جامعه‌شناسیک توجه بسیار شده است، اما کمتر کتابی از تأثیر فلسفه در ادبیات سخن گفته است. در این بخش به کاربرد شیوه‌های جبرگرایانه در تحقیق ادبی از سوی کسانی که به علیت اجتماعی باور دارند و هواداران

ایده‌آلیست تاریخ روح، انتقاد شده است. فصل پایانی درباره رابطه ادبیات و هنرهای زیبا و موسیقی است.

**بخش چهارم: مطالعه درونی ادبیات (ص ۱۵۱-۳۱۲).** بلندترین بخش کتاب است که در آن متن و تحلیل آن در مرکز توجه قرار می‌گیرد و به نظریات زبان‌شناسان، فرمالیست‌های روسی و طرفداران نقد نو، عنایت ویژه‌ای می‌شود. در آغاز از هستی‌شناسی ادبیات سخن گفته می‌شود، سپس عروض و قافیۀ کهن و نظریات گوناگون عروضی، از نو بررسی و بازتعریف می‌شود. روش‌های مختلف سبک‌شناسی مورد پژوهش قرار می‌گیرد و در باب بلاغت و صنایع ادبی بحث‌هایی مطرح می‌گردد. همچنین درباره روایت‌شناسی و ژانرهای ادبی و نظریات گوناگون در باب آن، صحبت شده و ملاک‌های ارزیابی آثار ادبی در ادوار مختلف، مطرح گردیده است. خاستگاه این بحث‌ها تعریف کانت از هنر چونان کنشی ذهنی و خالی از غرض و سودمندی و در عین حال دارای غایت است. در پایان، کتابنامه گزیده هر فصل به زبان انگلیسی درج شده و پس از آن نمایه کتاب آمده است. م.ص

**۹. درآمدی تاریخی بر نظریه ادبی از افلاتون تا بارت، ریچارد هارلند، ترجمه زیر نظر شاپور جورکش، تهران، چشمه، چاپ اول، ۱۳۸۲ش، ۴۴۰ ص.**

در بیشتر کتاب‌های مربوط به نظریه ادبیات تنها از تئوری‌های رایج در قرن بیستم و متفکران معاصر سخن می‌رود و به دوران پیشامدرن توجه چندانی نمی‌شود؛ اما این کتاب به بررسی نظریه‌های ادبی در طول تاریخ، از یونان باستان تا به امروز، می‌پردازد و از این دیدگاه کتاب جامعی به شمار می‌رود، گرچه حدود دوسوم این اثر نیز درباره نظریه‌های قرن بیستم است و در آن هیچ سخنی از نظریات ادیبان مشرق‌زمین به میان نمی‌آید. این کتاب در بیان نظریه ادبی، چندین دیدگاه را درهم می‌آمیزد: نخست آنکه نقد ادبی غیرنظری وجود ندارد؛ دیگر آنکه بحث‌های انتقادی درباره ادبیات نوعی خاص از فعالیت را تشکیل نمی‌دهد؛ و سرانجام آنکه نظریه ادبی، نظریه‌ای بین‌المللی به شمار می‌رود. کتاب شامل یازده فصل است:

۱. نظریه ادبی در دوران کلاسیک (ص ۱۵-۴۶). این

فصل از تئوری ادبی در یونان باستان سخن می‌گوید و به بررسی مسائلی از این دست می‌پردازد: نقد بلاغی از دید سوفسطاییان و خطیبان یونان، نظریات افلاطون در مورد تقلید شاعرانه، افکار ارسطو در باب تقلید از حقایق عام در شعر نمایشی و کاتارسیس، وضع قوانین شعر از سوی هوراس و اندیشه لونگینوس در باب نمط عالی.

۲. نظریه ادبی در سده‌های میانه (ص ۴۷-۵۸). این بخش بحثی است درباره تفسیر تمثیلی کتاب مقدس و اشعار ویرژیل در قرون وسطی. تفسیر تمثیلی بر روشی متمرکز است که در آن معانی مطلبی و رای کلمات ظاهری آن درک شود؛ کهن‌ترین نمونه این گونه از تفاسیر در یکی از نامه‌های پولس رسول به چشم می‌خورد. در ادامه این فصل از خوانش انجیل در چهار سطح جداگانه معنایی و معیار محدودکننده تفسیرهای ممکن، یعنی اصل خیرخواهی آگوستینی که طبق آن تمام خوانش‌ها می‌بایست با آموزش‌های مسیحی منطبق باشد، سخن می‌رود و در باب تفسیر تمثیلی فولجنتیوس در قرن ششم از آن‌ها یاد و ویرژیل مطالبی ارائه می‌شود. در پایان به استفاده دانته از این شیوه در تفسیر اشعار بومی غیردینی، اشاره می‌شود.

۳. برآمدن و افول کلاسیسیسم نو (ص ۵۹-۱۰۸). مؤلف در این بخش، نخست پیدایش ادبیات ملی در دوران رنسانس و جدال آن با زبان لاتینی را تشریح می‌کند و از تأثیر نظریات ادبی ارسطو بر ادیبان این دوره سخن می‌گوید؛ سپس در مورد نظریه نو کلاسیک فرانسوی و بریتانیایی، بحث می‌نماید.

۴. نظریه ادبی رمانتیسیسم (ص ۱۰۹-۱۳۸). گفتاری است در نظریات هردر و شیلر در باب ادبیات، تأثیر کانت و دیگر فیلسوفان سرشناس بر مبانی تئوریک رمانتیسیسم و اصل اندام‌وارگی که در سراسر نظریه ادبی رمانتیک دیده می‌شود و برگرفته از اندیشه‌های کانت در مورد لزوم غایت‌مندی کار هنری است. در پایان این فصل نکاتی راجع به مبانی نظری مکتب رمانتیک در انگلستان، فرانسه و امریکا مطرح می‌شود.

۵. نظریه‌های اجتماعی سده نوزدهم (ص ۱۳۹-۱۶۰)، حاوی چنین مطالبی است: اندیشه‌های منتقدان ادبی روسیه در قرن نوزده، نظریات ماتئو آرنولد و ستایش او از آثار ادبی یونان باستان و جامعه‌شناسی ادبیات از دید تن و مارکس.



و نقد اسطوره‌ای نورتروپ فرای، آشنا می‌شویم. تأکید عمده این بخش بر نقد نو در امریکا و انگلیس از سال ۱۹۰۰ تا ۱۹۶۰ متمرکز است.

۱۰. نقد پدیدارشناختی در فرانسه و آلمان (ص ۳۲۱-۳۴۹)، پس از ارائه توضیحاتی موجز در مورد پدیدارشناسی هوسرل و هایدگر، از ژرژ پوله و مکتب ژنو، زیبایی‌شناسی دریافت، نظریات اینگاردن و آیزر در خوانش متن، هرمنوتیک گادامر و یاس سخن می‌گوید، در پایان فصل نیز بحثی درباره فمینیست ادبی مطرح می‌شود که با عنوان فصل سازگاری چندانی ندارد.

۱۱. ساختارگرایی فرانسوی (ص ۳۵۱-۳۷۸)، شاید بهتر بود که این بخش پیش از فصل ده درج می‌شد؛ چرا که معمولاً هرمنوتیک را نظریه‌ای می‌دانند که پس از ساختارگرایی اشاعه یافت. مطالب این فصل عبارت است از: روابط ساختاری متن از دید یاکوبسن، روایت‌شناسی ساختارگرا از نظر گرماس و بارت و بوطیقای ساختارگرا و اندیشه‌های تودورف و بارت در مورد آن. همچنین در بخشی مجزا از تئوری‌های بارت سخن می‌رود.

۱۲. سخن پایانی (ص ۳۷۹-۳۸۷)، کلامی است فشرده درباره دوران پسامدرن و پساساختارگرایی ادبی. در پایان کتاب نمودارهایی با نام «رویدادنگار» آمده است که سیر تاریخی نظریه ادبی از دوران باستان تا به امروز را نشان می‌دهد (نک: ص ۳۸۸). پس از آن واژه‌نامه توصیفی فارسی-انگلیسی و در انتها یادداشت‌ها آمده است. این اثر، گروهی ترجمه و تدوین شده است، اما در آن تفاوت‌های سبکی و اختلاف در ترجمه جملات، عبارات و اصطلاحات، به چشم نمی‌آید یا لاقلاً چندان محسوس نیست.

ص.م

۶. ناتوریسم، سمبولیسم و مدرنیسم (ص ۱۶۱-۲۰۳)، در بخش ناتوریسم درباره افکار زولا و فلوبر در مورد رمان صحبت شده است و در بخش سمبولیسم نظریات بودلر و به ویژه والرئ و مالارمه بررسی شده، همچنین از زیبایی‌شناسی انگلیسی، مدرنیسم و آوانگاردیسم و تأثیر اندیشه‌های پائون و الیوت بر آن سخن رفته است.



۷. پیشرفت‌های تازه در نظریه (ص ۲۰۵-۲۳۴)، تأثیر فلسفه نیچه، روانشناسی فروید، زبان‌شناسی سوسور و مارکسیست‌ها را در نظریه ادبی تشریح می‌کند.

۸. نظریه روس‌ها در سده بیستم (ص ۲۳۵-۲۶۵)، سخنی است درباره فرمالیست‌های روسی. در این فصل به بررسی افکار اشکلوفسکی، پراپ و باختین توجه بیشتری شده است و نظریات پراپ در مورد ریخت‌شناسی قصه‌های پریان و منطق مکالمه باختین توصیف می‌شود.

۹. نقد انگلیسی-امریکایی (ص ۲۶۷-۳۱۹)، در این فصل با نظریات ریچاردز در باب نقد نو، هفت نو ابهام امپسن، نقد اخلاقی لیویز، شیوه‌ها و چهره‌های برجسته نقد نو: رنسام، کنت برک بروکز، ویمست، ولک و ...